

آثار تربیتی امانتداری بر جامعه با تأکید بر قرآن و روایات

نرگس آقابیکلویی^۱

چکیده

یکی از خصلت‌ها و ویژگی‌های بسیار پسندیده در میان انسان‌ها، امانت‌داری و بازگرداندن به موقع و سالم امانت است. حفظ امانت دیگران و احترام به احساسات پاک انسانی، از مواردی است که تمامی ادیان الهی بخصوص اسلام بر این مورد تأکید نموده‌اند. از آنجایی که امانتداری تأثیر بسیار زیادی در زندگی اجتماعی انسان و جامعه دارد، نویسنده در این مقاله تلاش نموده است تا با استفاده از قرآن و احادیث به بررسی آثار تربیتی امانتداری بر جامعه بپردازد. امانت انواعی دارد، مثل امانت الهی، امانات رسیده از پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) و امانت های مردمی. امانت داری اثرات تربیتی بسیاری بر جامعه دارد که می‌تواند ایمان و صداقت را در جامعه گسترش داده و اموال عمومی را حفظ نماید. افزایش رفاه اجتماعی، مدینه‌ی فاضله و امن، ارتقاء معنویت، ترویج راستی و درستی، حفظ اموال عمومی و بیت المال، آرامش و اطمینان متقابل و رشد کمالات انسانی در جامعه، از دیگر آثار تربیتی امانتداری محسوب می‌شود. شیوه نگارش این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی، تحلیلی تدوین شده‌است.

کلید واژه: امانتداری، تربیت، جامعه

^۱ - طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خواهران فدک، شهرستان میلاجرد

مقدمه:

یکی از مباحث بسیار مهم که در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آن تاکید فراوان شده است، بحث امانتداری است. به همین دلیل ضرورت دارد این‌گونه مباحث مورد توجه جدی، پژوهشگران قرار گیرد. امانتداری مختص به جوامع اسلامی و یا دین اسلام نیست، بلکه در تمامی ادیان و سخن پیامبران، این مسئله مطرح و مورد تاکید قرار گرفته است. به دلیل اینکه امانتداری از اصول اخلاق انسانی است و در قرآن و همچنین سیره و گفتار معصومین (علیهم‌السلام)، بارها مورد بحث و تاکید قرار گرفته است، نشان از اهمیت موضوع هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی دارد. بنابراین پرداختن به چنین مسئله‌ای که معیار و میزان مسلمانی افراد و جامعه است دارای اهمیت و ضرورت فراوان است. حال این سوال مطرح می‌شود که امانتداری بر جامعه چه آثار تربیتی دارد؟ دیدگاه قرآن و روایات در این باره چیست؟

در این زمینه تاکنون تالیفات زیادی منتشر شده است که به عنوان پیشینه تحقیق به چند نمونه اشاره می‌کنیم: «مقاله نقش امانت در زندگی، نوشته: محمد کریم حاتمی اصل، در این مقاله اشاره شده است که امانتداری یکی از صفات نفسانی انسان و در مقابل خیانت است. از دیدگاه قرآن کریم آثار و ثمراتی بر امانتداری مترتب میشود» و «کتاب چهل حدیث امانتداری نوشته س صدیقی، که در این کتاب احادیث مربوط به امانتداری از معصومین (علیهم‌السلام) گردآوری شده و در باره هر کدام توضیحات مختصری داده شده است» و «کتاب امانتداری و راهکارهای ترویج آن در رسانه ملی، نوشته مرتضی اسکندری، در این کتاب که به نوعی پژوهشی قرآنی و روایی در مورد آثار امانتداری و خیانت‌ورزی و عوامل و موانع آنها است، به وجود ضمان در صورت عدم رد امانت و وجوب رد آن اشاره شده و اقسام و مصادیق امانتداری در موضوعاتی مانند گفتار، نوشتار، ناموس مردم، انجام فرایض الهی، علم و دانش، اموال و جان مردم، تکالیف شرعی، بیت‌المال و پست و مقام مطرح شده است» مزیت و نوآوری این مقاله در این است که انواع این اصل مهم اخلاقی برای درک بهتر موضوع، مطرح شده است و سپس به برخی از آثار تربیتی امانتداری بر جامعه با استفاده از آیات قرآن و سیره و گفتار معصومین (علیهم‌السلام)، پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

در این قسمت برای درک بهتر موضوع مقاله، مفهوم کلمات کلیدی به صورت لغوی و اصطلاحی بیان خواهند شد:

۱- مفهوم امانتداری

در واژه‌ی امانت داری از کلمه امانت و نگهداری استفاده شده است، به معنای مراقبت و نگهداری از امانت، که در این قسمت به مفهوم لغوی و اصطلاحی آن اشاره خواهد شد:

لغوی:

امانت در فرهنگ لغت، دارای معانی مختلفی است؛ پاس داری، حفاظت، امنیت، امان، مواظبت، مراقبت، رازداری، نگه داری، آسایش و آرامش روح و جان از جمله معانی امانت است و مفاهیمی چون: خیانت، دزدی و چپاول، بی وفایی، ایجاد رعب و وحشت، نیرنگ، جاسوسی، نفاق، بهتان، کتمان حقیقت و بی مبالاتی در نگه داری اسرار، متضاد آن می باشد.

«امانت راستی. ضد خیانت. استواری در راستی. درستکاری. اخلاص و صداقت. امینی. امین بودن. امانت یعنی قرار دادن و بجا آوردن مقتضای عدالت در اوقات معین آن و این یکی از صفات خدای تعالی است»^۱ «۱- امین بودن . ۲ - راستی ، درستکاری . ۳ - استواری . ۴ - سپرده ، ودیعه»^۲

اصطلاحی:

امانتداری اینگونه تعریف شده است: «ودیعه از «ودع» به معنای ترک کردن آمده است و چون در نزد امانت گیرنده ترک شده است ودیعه گویند و امانت از «امن» به معنای ایمنی و اطمینان و امانت را هم امانت گویند چون شخص امانت گذار از خیانت آن کسی که امانت پیش اوست مطمئن و ایمن است . در بیان عرف و اندیشمندان اسلامی امانت هر چه باشد، به معنای چیزی است که نزد غیر به ودیعه بسپارند تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به وی

^۱ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۱۳۷۱.

^۲ - معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۶۲۰.

برگرداند»^۱ امانت به عنوان یکی از صفات اخلاقی و ملکوتی، دارای واژه های زیبا و مقدسی است. وجود این واژه ها نشان دهنده قداست و شایستگی خارق العاده ای می باشد که در متن امانت نهفته است.

۲- مفهوم تربیت

لغوی:

«تربیت به معنی: ۱ - پروردن . ۲ - ادب و اخلاق را به کسی آموختن»^۲

«تربیت در لغت از ریشه «رَبَوَ» و به معنای افزودن و رشد و نمو آمده است»^۳ «علمای علم لغت ، «رب» را نیز ریشه تربیت می دانند و در برخی موارد معنای متفاوتی برای آن برشمرده اند . تربیت به معنی پرورش است ، یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد»^۴

اصطلاحی:

در اصطلاح نیز تعاریف مختلفی برای این واژه آمده است : «تربیت به معنای انتقال اطلاعات، تجارب، معلومات مهارت ها و باورهای فرهنگی به نسل های دیگر است»^۵ در تعریفی دیگر آمده است که «تربیت به معنای ایجاد کردن و یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان است و مطلوبیت و ارزش داشته باشد»^۶ بنابر این تربیت در اصطلاح عبارت است از «شکوفایی استعداد های درونی انسان در حیطه های سه گانه ارتباطی او. تربیت عبارتست از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعالیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب»^۷

^۱ - حداد عادل، دانشنامه اسلامی، ج ۳، ص ۳۷۶.

^۲ - معین، فرهنگ فارسی معین، ذیل جرف تاء، ج ۱، ص ۴۹۸

^۳ - مصطفوی ، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل واژه ربو

^۴ - مهدیزاده، حسین، «کاوشی در ریشه ی قرآنی واژه ی تربیت» معرفت، ش ۵۹.

^۵ - شعاری نژاد، روانشناسی رشد، صص ۷۷-۷۸

^۶ - ابراهیم زاده ، فلسفه تربیت، ص ۲۹

^۷ - همان

۳- مفهوم جامعه

لغوی:

«جامعه». تانیث جامع گردآورنده. فراهم آورنده. جمع کننده. غلی که بر گردن و بر دست نهند. نوعی از زیورکه دستها را به گردن فراهم آورد. جرگه. اجتماع. مجتمع. حوزه. حلقه. اجتماع. هیئت اجتماع. مردم یک کشور یا یک شهر یا ده»^۱

اصطلاحی:

«مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند ، جامعه را تشکیل می‌دهند. در نگاهی کلی به واژگان مربوط به «جامعه»؛ کلماتی را در قرآن می‌توان یافت که گرچه هریک معنای ویژه خود را دارد و حاکی از واقعیتی خاص است؛ اما ناظر به جمع و گروه است؛ از این میان واژه «امت»؛ که مشتق از «ام» است و بر گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین واحد، زمان واحد، یا مکان واحد به طور اختیاری یا اجباری داشته باشند»^۲

«زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند . درختان یک باغ نیز در کنار یکدیگر زیست می‌کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده می‌نمایند ، همچنانکه آهوان یک گله نیز با هم می‌چرند و با هم می‌خرامند و با هم نقل مکان می‌کنند . اما نه درختان و نه آهوان هیچ کدام زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی‌دهند. زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که (ماهیت اجتماعی) دارد : از طرفی نیازها ، بهره‌ها و برخورداریها ، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست ، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها ، ایده‌ها ، خلق و خویها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد ، و به تعبیر دیگر ، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند»^۳

^۱ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۱۷۴.

^۲ - راغب، مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۸۶.

^۳ - مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۱۸ و ۱۹.

المال کمک نموده و در امور ضروری تر مصرف شود. این اماکن عبارتند از پارک‌ها و خیابان‌ها، منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها و دریاها، وسایل نقلیه عمومی مانند مترو و اتوبوس و ساختمان‌ها، مانند بیمارستان‌ها و اداره‌ها و مراکز آموزشی و غیره. امام علی (علیه‌السلام) در مورد حفظ اموال مردم و بیت المال می‌فرماید: «مِنْ أَفْحَشِ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْوَدَاعِ - یکی از بزرگترین خیانت‌ها، خیانت در ودیعه و امانت‌های مردم است»^۱

ز) ایجاد آرامش و اطمینان متقابل در جامعه

یکی از عوامل ایجاد ناآرامی و پریشانی در جامعه خیانت و عدم اعتماد به دیگران است و چنانچه صداقت و امانتداری جایگزین آن شود، آرامش خیال حکمفرما شده و اطمینان متقابل بین مردم برپا خواهد شد. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «لَا تَخُنْ مَنْ اَثَمَكَ وَ اِنْ خَانَكَ - به کسی که تو را امین دانسته خیانت مکن هرچند او به تو خیانت کرده است»^۲ فرد خائن گرچه ممکن است ظاهراً سودی کسب کند یا به موقعیت و مقام اجتماعی برسد، ولی هرگز روی آرامش را نخواهد دید. این افراد به خاطر فرصت طلبی که انجام داده‌اند، مردمان دیگر را نیز مثل خود پنداشته و به هیچ کس اعتماد و اطمینان نخواهند کرد. امام رضا (علیه‌السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تُحَابُّوا وَ تَهَادُّوا وَ آدُّوا الْأَمَانَةَ - پیروان من مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و هدایت نمایند و ادای امانت کنند پیوسته در خیر خواهند بود»^۳

لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید: «أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلِمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ - امانت را رد کن تا دنیا و آخرت سالم باشد»^۴

ح) رشد و ترفیع کمالات انسانی در جامعه

^۱ - تمیمی آمدی، فهرست غررالحکم، ص ۱۰۰.

^۲ - حرانی، تحف العقول، ص ۷۷.

^۳ - مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵.

^۴ - همان، ج ۷۴، ص ۱۷۶.

برای رسیدن به کمال انسانی، مولفه‌های بسیاری است که یکی از مهمترین آنها امانتداری است که از عوامل و راهکارهای رسیدن به مقامات معنوی و کمال انسانی است. یعنی هر کس بتواند امانتدار خوبی در همه‌ی زمینه‌ها باشد، لطف الهی شامل آن فرد شده و به مقامات معنوی خواهد رسید. مهمترین عاملی امام علی (علیه السلام) را در نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) عزیز نمود امانتداری ایشان بود که امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «فان علیاً (علیه السلام) انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله (صلی الله علیه و آله) بصدق الحديث و اداء الامانة - همانا علی (علیه السلام) به آن مقامات عالی در نزد رسول خدا با راستگوئی و اداء امانت نائل شد»^۱

^۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۶۷.

نتیجه گیری

در اسلام چند نوع امانت وجود دارد که شامل امانت های رسیده از طرف خداوند که دارای دو بعد مادی و معنوی است. خداوند امانتداری را رفتاری عادلانه و دور از تبعیض و از نشانه های مهم ایمان برشمرده است و خیانت در امانت را علامت نفاق می داند. امانتداری بر جامعه اثرات بسیاری دارد و همه ی افراد جامعه موظفند امانات را به صاحبانشان برگردانند و یا در حفظ حریم و حرمت آنان کوشا باشند تا درستی و صداقت در آن جامعه حکمفرما شود. چنانچه امانتداری به طور صحیح و درست انجام شود باعث رفاه جامعه و فزونی ثروت می شود، هر چه امانتداری و مراقبت از اموال عمومی و اشخاص حقوقی در جامعه پررنگ تر و عمیق تر باشد، ناهنجاری ها و بزهکاری های اجتماعی کمتر دیده شده و امنیت اجتماعی از ثبات کافی برخوردار خواهد بود، زیرا جامعه امن جامعه ای است که مردم دغدغه و گرفتاری کمتری داشته باشند. از دیگر آثار تربیتی امانتداری بر جامعه می توان به پیشرفت و گسترش علم و معنویت اشاره نمود. ترویج راستی و صداقت در جامعه و پاسداشت سبک زندگی معنوی و مادی، عدم تخریب و تضییع بیت المال و اموال عمومی، جلوگیری از فشارهای اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی از دیگر آثار تربیتی امانتداری است. ایجاد آرامش و اطمینان متقابل در جامعه و رسیدن به کمال انسانی از دیگر اثرات این خصلت خوب الهی و انسانی است که انسان را به مقامات معنوی و الطاف الهی نزدیک می کند.

فهرست منابع و مآخذ :

* قرآن کریم

* سید رضی، محمد بن حسین، گردآورنده **نهج البلاغه**، مترجم محمد دشتی، انتشارات مشهور، قم، ۱۳۷۹ش

۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲ش
۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نورالثقلین**، مصحح: رسولی، هاشم، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
۳. ابن کثیر، اسماعیل عمرو، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم ودررالكلم**، ناشرموسسه فرهنگی دارالحديث، ترجمه محسن موسوی، چاپ ۸، ۱۳۹۵ش
۵. حداد عادل و همکاران، **دانشنامه جهان اسلام**، چاپ ۲، انتشارات بنیاد دائرة المعارف اسلامی - تهران، ۱۳۷۵ش
۶. حرعاملی، محمد ابن الحسن، **وسایل الشیعه**، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش
۷. حرانی، حسن بن علی شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول**، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، ۱۴۰۴ق
۸. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم از دور جدید، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۱ش
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۸ش
۱۰. شعاری نژاد، علی اکبر، **روانشناسی رشد**، انتشارات اطلاعات، چاپ بیستم، ۱۳۹۲ش
۱۱. طباطبائی علامه محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان** (مصباح یزدی)، مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۸ش
۱۲. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، ناشرموسسه در راه حق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش

۱۳. قمی، عباس، **مفاتیح الجنان**، ترجمه الهی قمشه ای، قم: آیین دانش، چاپ ۱۱، ۱۳۸۷ش.

۱۴. کاردان، علی محمد و گروه نویسندگان، **فلسفه تعلیم و تربیت**، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب: **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.

۱۶. -----، **اصول کافی**، مترجم: محمد باقر کمره ای، چاپ سوم، تهران: اسوه، ۱۳۷۵ش

۱۷. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، مترجم ابوالحسن موسوی همدانی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۳۸۲ش

۱۸. محدث نوری، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**؛ بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق

۱۹. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۲۰. مطهری، مرتضی، **جامعه و تاریخ**، انتشارات صدرا، چاپ ۱۸، ۱۳۷۲ش

۲۱. معین، محمد، **فرهنگ معین**، تدوین سید جعفر شهیدی، انتشارات امیر کبیر تهران، ۱۳۸۸ش

نشریات و پایگاه‌های اینترنتی:

۲۲. مهدیزاده، حسین، **کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت**، نشریه معرفت، ش ۵۹